

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تکرار جرم (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه)

اکبر وروایی^۱، عمران پرنده‌خ^{۲*}

۱- استاد گروه حقوق دانشگاه علوم انتظامی امین

۲- دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

چکیده

امروزه با رشد سریع شهرنشینی، صنعتی شدن، مدرنیزاسیون و افزایش جمعیت، مسائل و مشکلات متفاوتی در جوامع مختلف به وجود آمده است، که یکی از مهمترین این مشکلات وجود مجرمان و زندانیان است. این مسأله زمانی حادث می‌گردد، که شاهد پدیده‌ای به نام تکرار جرم و بازگشت مجدد زندانیان به جرم و زندان باشیم. پژوهش حاضر که با هدف بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تکرار جرم در شهر کرمانشاه است، از نظر نوع هدف یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهنانگر، از نظر دامنه خرد و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است. روش تحقیق در این پژوهش میدانی با استفاده از تکنیک پیمایش، و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه است. همچنین حجم نمونه در این تحقیق ۱۵۰ نفر است. این پژوهش به دنبال بررسی ارتباط بین متغیرهایی چون احساس محرومیت، رضایت از زندگی، دینداری، مشارکت اجتماعی، پایگاه اقتصادی و سن به عنوان متغیرهای مستقل و تکرار جرم به عنوان متغیر وابسته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که: بین احساس محرومیت (۰/۴۷)، رضایت از زندگی (۰/۴۴)، دینداری (۰/۴۶)، مشارکت اجتماعی (۰/۲۳) و پایگاه اقتصادی (۰/۳۰) با تکرار

جرم در بین مجرمین ارتباط معنادار وجود دارد؛ اما بین متغیر سن و تکرار جرم ارتباط معناداری مشاهده نشد.

واژه‌های کلیدی: جرم، تکرار جرم، زندان، متغیرهای اجتماعی، کرمانشاه.

مقدمه و بیان مسأله

بر اساس آمارهای سال ۲۰۰۵ جمعیت زندانیان دنیا ۹ میلیون نفر بوده است که ۳۶ درصد در آسیا، ۳۳ درصد در آمریکا، ۲۰ درصد در اروپا و ۱۰ درصد در آفریقا و کمتر از ۱ درصد در اقیانوسیه بوده اند. مطابق این آمار در سطح جهان در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت ۱۴۴ نفر زندانی وجود دارد. بر اساس گزارش مرکز بین المللی مطالعات زندان در سال ۲۰۰۳، کشور ایران در میان کشورهای جهان با نرخ زندانی ۱۹۱ نفر در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت که در رتبه ۵۸ دنیا قرار دارد. اما در سال ۲۰۰۴ رتبه کشورمان به رتبه ۴۴ کاهش ارتقا یافت. بر اساس میانگین موجودی زندانیان کشور در سال ۱۳۸۴، جمعیت زندانیان ایران ۱۳۶۴۷۱ نفر بوده است که نسبت به سال ۱۳۸۳، ۱/۳ افزایش داشته است. نکته قابل توجه در این آمار میزان زندانیانی است که درارای سابقه مجرمیت بوده اند که در آمار همان سال ۲۹ درصد از کل زندانیان را به خود اختصاص داده اند (موسوی فرد، ۱۳۸۷: ۲۸۴).

با نگاهی به تعداد زندانیان در دهه‌های اخیر متوجه رشد بسیار شتابان تعداد زندانیان در جامعه ایران می‌شویم، به طور مثال در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۶ تعداد زندانیان ۷ برابر شده است، یعنی از حدود ۲۲۴۰۰ نفر به ۱۱۵۶۰۰ نفر افزایش یافته است و این در حالی است که جمعیت کشور طی این مدت فقط ۵۵ درصد افزایش داشته است (عبدی، ۱۳۸۱: ۷۸).

اما یکی از معضلاتی که در جامعه ما در بحث زندان و مجرمان با آن مواجه هستیم تکرار جرم توسط زندانیان و بازگشت مجدد آنان به زندان هستیم. مسأله مهم اینجاست که هدف از حبس و زندانی نمودن مجرم چیست؟ آیا زندان باید فقط برای تنبیه کردن مجرم به کار رود تا افرادی که در زندان به سر می‌برند پس از آزادی مرتکب جرم نشوند، یا هدف آن اصلاح و بازپروری و باز اجتماعی کردن مجرم است؟ یا به عبارت دیگر هدف این است که افراد زندانی در مدتی که در زندان هستند اصلاح شوند، و در ک ک کنند که ارتکاب جرم، عملی

اشتباه بوده است، و نیز مهارت‌هایی به آنها آموخته شود تا پس از آزادی یک زندگی توأم با احترام به قانون را برگزینند و مرتکب جرم مجدد نشوند؟ وانگهی وظیفه جامعه در قبال افرادی که از زندان آزاد می‌شوند چیست؟

در اکثر مواقع افرادی که مرتکب بزهکاری و جرم می‌شوند، از حیث کار، تحصیل، تشکیل خانواده و ... فرصت‌های جبران ناپذیری را از دست می‌دهند. وجود چنین سابقه نامطلوبی در زندگی آینده آنها تأثیر زیادی دارد. این قبیل افراد معمولاً از طرف جامعه، خانواده، دوستان، نهادهای رسمی و غیر رسمی و ... طرد می‌شوند، و امکان بازگشت آنها به عنوان یک فرد عادی به جامعه با مشکلات عدیده‌ای مواجه است. مطالعات و تحقیقات نشان می‌دهد که خود زندان، برای بسیاری از زندانیان به دلیل تجربیات منفی که از محیط زندان کسب می‌کنند، بسیار مخرب و ناامید کننده است. زیرا کافی نبودن اقدامات اصلاحی و بازپروری زندانیان به معنای آن است، که آنها به هنگام ترک زندان در مقایسه با زمان ورودشان آمادگی بیشتری برای ارتکاب جرم دارند (حاتمی خواجه، ۱۳۸۶: ۹۵) جامعه بین الملل به ویژه جوامع پیشرفته به این نتیجه رسیده‌اند که زندان نمی‌تواند در کاهش جرم و بزهکاری نقش تعیین کننده‌ای داشته باشند. بارها اعلام شده که در عمل زندان به مدرسه آموزش جرم تبدیل شده است. بر این اساس پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال اساسی است که عوامل اجتماعی مؤثر بر تکرار جرم در شهر کرمانشاه کدامند؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

امروزه با رشد سریع شهرنشینی، صنعتی شدن، مدرنیزاسیون و افزایش جمعیت، مسایل و مشکلات مختلفی در جوامع شهری به وجود آمده، که یکی از مهمترین مشکلات عمده مجرمان و زندانیان جوامع شهری است. این مسأله زمانی حادث می‌گردد، که ما با پدیده‌ای به نام تکرار جرم و بازگشت مجدد زندانیان به جرم و زندان می‌باشیم. جرم یک کنش اجتماعی است، که با دیگر عناصر جامعه ارتباط متقابل دارد. ساخت خانواده، مقبولیت اجتماعی یا فقدان مقبولیت، روابط غلط و ناسالم اقتصادی جامعه و عدم توزیع برابر و برابری افراد، به ظهور جرم و افزایش رفتارهای مجرمانه در جامعه مواجه می‌شود. جامعه سالم و ایمن، جامعه‌ای است که

افراد در آن احساس امنیت داشته باشند، از این رو، منظور از امنیت: آرامش، فقدان ترس و عدم نگرانی در خصوص ایجاد خطر از سوی دیگران است. بنابراین یکی از عواملی که باعث فرسایش احساس امنیت و آسیب زایی برای جامعه ایمن می شود، وجود جرم و زمینه‌های شکل گیری آن است. می توان در ساده ترین تعریف، جرم را عبارت از شیوه رفتاری دانست که قانون را نقض می کند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۵۲). برطبق آمارهای سازمان زندان‌ها، ۸۰٪ از زندانیان را کسانی تشکیل می دهند که معمولاً برای بار اول و حتی بار دوم به زندان می آیند و شایسته است که این جمعیت، زیر چتر حمایت مراقبت قرار گیرند تا بار دیگر مرتکب جرم نشوند و به مجرمان حرفه ای تبدیل نگردند.

آسیب شناسی اجتماعی، به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی جامعه شناسی جرم و کجروی، مطالعه بی نظمی‌ها و آسیب‌های اجتماعی شامل، همراه با علل و انگیزه‌های پیدایش آن‌ها، شیوه‌های پیشگیری و حل این مسائل و همچنین مطالعه شرایط بیمارگونه اجتماعی می باشد. زیرا خاستگاه اصلی تبهکاری و سایر نابهنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی را باید در کل حیات اجتماعی و نوع خاص روابط انسانی جستجو کرد. یکی از معضلاتی که در جامعه ما در بحث زندان و مجرمان با آن مواجه هستیم تکرار جرم توسط زندانیان و بازگشت مجدد آنان به زندان می‌باشیم، که درصد نسبتاً بالایی از زندانیان را به خود اختصاص داده اند. تکرار جرم یا به عبارت بهتر بازگشت به رفتار جنایی صرف نظر از هزینه‌هایی بر اقتصاد جامعه و بودجه عدالت کیفری، تحمیل می کند، نظم و امنیت عمومی را نیز به مخاطره می‌اندازد، شاید به همین دلیل باشد که قانون چنین افرادی را بر اساس معیارهای قانونی فرد خطرناک محسوب می‌کند. بر این اساس پرداختن به مبحث ارتکاب جرم توسط مجرمین و شناسایی علل و عوامل این پدیده هم در سطح کلان و هم در سطح خرد از اهمیت و ضرورت بسزایی برخوردار است.

تعریف مفهومی تکرار جرم

ارائه تعریف مفهومی تکرار جرم^۱ چندان مشکل نیست. چنین تعریفی از تکرار جرم علی الاصول ناظر به قانونگذاری کیفری و اجرای مقررات راجع به تکرار جرم در مرحله صدور

1. Recidivism

حکم یا اجرای مجازات‌هاست که به وسیله قضات و نهادهای ذیربط مدنظر قرار می‌گیرد. مفهوم تکرار که معادل انگلیسی آن (Recidivism) و معادل عربی آن «عود» است از واژه لاتین (Recidere) مشتق می‌شود که به معنی سقوط مجدد است. در این معنی تکرار جرم به عنوان یک موضوع حقوق کیفری عبارت از بازگشت یک فرد به ارتکاب رفتار جنایی است، بعد از این که او به علت ارتکاب جرم پیشین محکوم، مجازات و (به فرض) اصلاح شده است (مالتز، ۱۹۸۴: ۲۶).

چنین پدیده‌ای همان گونه که «مالتز»^۱ به آن اشاره می‌کند بیانگر سلسله‌ای از ناتوانی‌ها و کاستی‌هاست. از جمله بیانگر قصور فرد در انتخاب رفتاری موافق انتظارات جامعه، یا قصور او در مقاومت در برابر ارتکاب جرم، قصور او به عنوان یک مجرم جهت گریز از توقیف و محکومیت، ناتوانی فرد به عنوان یک مددجوی نهادهای اصلاح و تربیت جهت بهره‌مندی از برنامه‌های اصلاحی و تربیتی آنها، یا ناتوانی و قصور چنین نهادهایی جهت تمهید برنامه‌های بازپروری و همچنین بیانگر قصور فرد در قالب استمرار فعالیت مجرمانه پس از آزادی است (غلامی، ۱۳۸۷: ۴۴).

از نظر قانونی تکرار جرم همانند اکثر مفاهیم حقوق کیفری دارای تعریف اعتباری^۲ است و همین ویژگی وجه تمیز تکرار از تعدد جرم به حساب می‌آید و بر اساس آن پاسخ به این پرسش که تکرار جرم چیست و تکرار کننده جرم کیست، با در نظر گرفتن معیارها و متغیرهای گوناگونی که از سوی قانون‌گذاران مورد توجه قرار گرفته است، تفاوت می‌کند. در اینجا به برخی از متغیرهایی که پذیرش آنها موجب ایجاد تعاریف معتدد از تکرار جرم و تکرار کنندگان آن شده است، اشاره می‌گردد.

الف. تکرار جرم حالت کسی است که محکوم به مجازات حبس شده، در حالی که پیش از آن نیز سابقه یک بار یا بیشتر تحمل چنان مجازاتی را داشته است.

ب. تکرار جرم حالت کسی است که سابقه محکومیت به یک جنایت یا بیشتر و اکنون نیز به خاطر ارتکاب جنایت محکوم شده است.

1. Maltz

2. Nominal Definition

ج. تکرار جرم حالت کسی است که مرتکب جرم خاص یا یکی از جرائم خاص شده، در حالی که قبلاً محکومیت به ارتکاب یکی از این جرائم یا جرم مشابه را داشته است.
د. تکرار جرم حالت کسی است که پس از محکومیت به ارتکاب یک جرم جنحه ای مرتکب جرم جنحه ای دیگری شده است؛ (غلامی، ۱۳۸۷: ۵۰-۴۴).

تعریف کاربردی

در سال ۱۹۸۴ مالتز در اثر خویش به بررسی تقریباً ۹۰ پژوهش که در برگیرنده تعاریف کاربردی تکرار جرم بوده اند پرداخت و سپس آنها را در گروه‌های ذیل دسته بندی کرد:

- ۱- توقیف، تعداد بازداشتها؛ سوابق ارتباط با پلیس؛ حضور در مقابل دادگاه؛ زمان سپری شده قبل از اولین توقیف؛ آیا نتیجه توقیف محکومیت بود؟
- ۲- محکومیت مجدد؛ محکومیت به حبس کمتر از یک سال (در Jail) یا بیشتر از یک سال (در Prison)، جنایت یا کمتر از آن و مجازات.
- ۳- حبس؛ نوع محل حبس؛ و شدت جرم.
- ۴- تعدی از شرایط آزادی مشروط؛ ماهیت تعدی و تخطی مذکور؛ شدت شرایط آزادی مشروط؛ آیا به دخالت پلیس منجر شد؟
- ۵- تعلیق آزادی مشروط جرم ارتكابی جدید و تعداد دفعات تعلیق‌های انجام شده.
- ۶- نقص آزادی مشروط؛ ارتكابی جرم جدید؛ شدت جرم ارتكابی؛ و تعداد متوسط روزهای خوب {منظور روزهایی است که آزادی شده مشروط بدون ارتكاب جرم جدید یا نقص شرایط آزادی مشروط با موفقیت سپری نموده است}.
- ۷- جرم؛ شدت؛ جرم جدید.
- ۸- فرار؛ آیا حکم دستگیری صادر شده است؟
- ۹- پرویشن (تعلق مراقبتی)، نسبت بازداشت مجدد، مدت زمان بازداشت، تعدد تعدیات به پرویشن و حکم به تجاوز به آن (مالتز، ۱۹۸۴: ۶۲).

در برخی تحقیقات بیش از یک تعریف مورد استفاده قرار گرفته است. به عنوان مثال وایتهد^۱ در سال ۱۹۹۱ توقیف مجدد و حبس را به عنوان دومعیار تکرار جرم در تحقیق خود مد نظر قرار داد. وقتی معیار تکرار جرم توقیف مجدد بود، نرخ تکرار جرم ۳۶٪ بوده است، در حالی که با در نظر گرفتن حبس مجدد نرخ آن به ۱۵٪ کاهش یافته است. چنین تفاوتی در تحقیق ایریش^۲ که به بررسی تکرار جرم مجرمان جنایی پرداخت نیز قابل مشاهده است. زمانی که از توقیف مجدد به عنوان معیار استفاده نمود، نرخ تکرار جرم ۱۲٪ بوده است، و وقتی که توقیف مجدد به عنوان معیاری برای نقض شرایط مورد استفاده قرار گرفت این نرخ به ۶٪ کاهش یافت و زمانی که توقیف مجدد و تعدی از شرایط با هم به حساب آمدند این نرخ به ۲۶٪ افزایش یافت.

«شیپلی» و «بک» سه معیار از تکرار جرم را مورد استفاده قرار دادند. ۱. توقیف مجدد، ۲. محکومیت مجدد و ۳. حبس مجدد (بک و شیپلی، ۱۹۷۸). با توجه به این سه معیار که معمولاً در نظام عدالت کیفری تکرار می شوند، نرخ تکرار جرم علی الاصول با احتساب توقیف مجدد از بالاترین حد و با احتساب حبس مجدد از پایین ترین درجه برخوردار است. بر اساس همین تغییرات نیز ممکن است تفاسیر متعددی از موفقیت یا عدم موفقیت تدابیر اصلاحی و تربیتی ارائه گردد. و درست به همین دلیل است که «مالتز» معتقد است روش خاصی برای تنظیم و سازمان دهی تعاریف کاربردی تکرار جرم باید عرضه شود.

مبانی نظری

دورکیم در راستای تبیین کجروی و قانون گریزی معتقد است، هنگامی که آرزوهای انسان با امکان تحقق آنها هماهنگ نیست، فشارها موجب رفتار انحرافی نیرومندتری می شوند. وی موقعیتهای گوناگون از جمله رکود ناگهانی، رونق ناگهانی و تغییرات سریع را عنوان می کند. مقصود او این بود که در این شرایط فرد آرزوهایی می کند که اگر رسیدن به آنها غیر ممکن نباشد، بسیار مشکل است. دورکیم عقیده دارد کجروی و قانون گریزی ناشی از رکود ناگهانی

1. Whitehead

2. Irish

است، زیرا وضعیت‌هایی از قبیل دسته بندی‌های مجدد شکل می‌گیرد که ناگهان افرادی را در موقعیتی پایین تر از قبل قرار می‌دهد، سپس لازم است از درخواست‌های خود بکاهند و نیازهای خود را محدود کنند و یاد بگیرند که خود را بیشتر کنترل کنند، اما جامعه نمی‌تواند بی‌درنگ این افراد را با شرایط تازه سازگار کند و به آنها خودسرکوبی را بیاموزد که هنوز به آن عادت نکرده‌اند. به این ترتیب با شرایطی که بر آنها تحمیل شده است سازگار نمی‌شوند. به نظر دورکیم رونق اقتصادی هم مانند رکود اقتصادی می‌تواند پیامدهایی داشته باشد، به ویژه اگر تغییر شرایط بالندگی اقتصادی ناگهانی باشد. تصور می‌شود حالت ناگهانی این تغییرات گسترده، آرزوها را فراتر از امکان تحقق آنها می‌برد و این هم باعث می‌شود دستگاه نظم دهنده جامعه با مانع روبرو شود (کوزر، روزنبرگ، ۱۳۸۷: ۴۵۴-۴۵۳).

به زعم کارل مارکس بیشتر بزهکاری‌ها و رفتارهای قانون شکنانه به وسیله طبقات پایین انجام می‌شود و این نه به دلیل تمایل و علل روانشناختی مربوط به فقرا و طبقات پایین است بلکه به علت محدودیت‌هایی است که از طریق طبقه مسلط بر ابزار و نهادهای قدرت بر طبقات پایین و فقرا اعمال می‌شود. به زعم این نظریه وجود تضادهای گسترده در جامعه و طبقاتی شدن انسان‌ها، باعث می‌شود تا افراد طبقه پایین دچار از خود بیگانگی شوند و از خود بیگانگی که به معنی احساس از دست دادن کنترل بر زندگی اجتماعی است احتمال اعمال قانون گریزانه را برای فرد فراهم می‌آورد که به طور جبری انجام می‌شود. از نظر مارکس در چنین فرآیندی افراد فقیری که دچار از خود بیگانگی می‌شوند به احساس پوچی، بی‌قدرتی، بیزاری از خود، بی‌اعتمادی و خشونت می‌رسند که پیامد چنین وضعیتی باعث اخلاق زدایی و بی‌توجهی به ارزش‌های هنجار بخش جامعه می‌شود. تا جایی که افراد طبقه پایین و فقیر به انکار ارزش‌های اساسی جامعه، هنجارهای اجتماعی و استانداردهای تثبیت شده رفتار می‌پردازند. (احمدی، ۱۳۸۷: ۵۸-۵۹) زیرا جهت‌گیری قوانین و نظام وضع آن را به خود نسبت نمی‌دهند و با قوانین هنجار بخش به عنوان بیگانه برخورد می‌کنند.

از نظر رکلس، فشار خارجی کنترل اجتماعی غیر رسمی است که یک گروه بر اعضای خود وارد می‌سازد. این کنترل شامل انتظاراتی است که گروه از اعضا در ایفای نقش‌های مقرر

دارد و نیز رعایت کلیه قوانین، ضوابط و هنجارهایی است که سبب بالا رفتن ارزش و مقام فرد نزد گروه می‌گردد.

فشار داخلی اجزای خود هستند که به شخص قدرت و انگیزه مقاومت در مقابل محرکهای کجروی، که خواه ناخواه زمانی آن را تجربه خواهد کرد، می‌دهد. معمولاً ترکیبی از کنترل‌های داخلی و خارجی بکار می‌روند تا فرد را از فعالیت در راههای انحرافی باز دارند. هنگامی که این کنترلها نتوانند بر روی یک فردی اعمال شوند، کجروی که نتیجه شکسته شدن کنترل‌های معمولی است پدید می‌آید (سخاوت، ۱۳۸۱: ۶۱).

هیرشی در دو تحقیق خود (۱۹۷۸-۱۹۶۹)، نوعی الگوی کنترل اجتماعی را ارائه داده است، الگویی که گاه نیز با نام نظریه پیوند از آن یاد می‌شود و پیدایش کجروی را معلول ضعف همبستگی در گروهها و نهادهای اجتماعی و نیز تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه می‌شمرد. از نظر هیرشی، افراد از لحاظ درجه قبول ارزش‌ها و هنجارهای جامعه متفاوت‌اند. این تفاوت‌ها به میزان پیوستگی افراد با نظام اجتماعی بستگی دارد. از نظر او بین پیوند با نظام اجتماعی و اعتقاد به مشروعیت اخلاقی رابطه‌ای وجود دارد و اعتقادات فرد نیز متأثر از پیوند با مدرسه، خانواده و جامعه است. با سست شدن این پیوند، از شدت اعتقادات کاسته می‌شود. (فرضیه شماره یک ارتباط نگرش به قانون و قانون‌گریزی) اعتقاد فرد با پیوند فرد به والدین آغاز می‌شود و از طریق پیوند با مدرسه و جامعه افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، بین میزان پیوند با نظام اجتماعی و اعتقاد به مشروعیت قوانین جامعه رابطه‌ای وجود دارد و این دو از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند.

هیرشی معتقد است، انسانها اگر بر اثر برخی از علقه‌های (پیوندها) اجتماعی نمی‌بود، گرایش به رعایت قوانین نداشتند و ملزم نبودند به آنها احترام گذارند. بدین سان می‌توان دریافت که کجرفتاری نوجوانان نه تحت تأثیر انحصاری نامساعدترین محیطها است و نه برخاسته از کانونهای از هم پاشیده، زیرا تمام وابسته به شدت و ضعف علائق و روابط گوناگون اجتماعی است (گسن، ۱۳۷۰: ۱۶۳).

به نظر مرتون، جوامع صنعتی جدید بر توفیقات مادی در زندگی تأکید دارند که به شکل انباشت ثروت و تحصیلات علمی، به عنوان مهمترین اهداف زندگی شخصی و معیارهای

منزلتی تجلی می‌کنند. دستیابی به این اهداف مقبول اجتماعی نیاز به ابزارهای مقبولی هم دارد که البته از دسترس جمعی از افراد جامعه خارج است؛ یعنی جامعه طوری ساخت یافته که طبقات فرودست فرصتهای کمتری برای تحقق آرزوهای خود دارند. در نتیجه چون این اهداف به آرمانهای اصلی زندگی همه افراد (فقیر و غنی) تبدیل شده، آن کس هم که دسترسی به ابزارهای مشروع ندارد تحت فشار جامعه برای دستیابی به آنها از ابزار نامشروع استفاده می‌کند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ۱۲). بنابراین مرتون عدم دستیابی مشروع به اهداف را عامل کجرفتاری و قانون‌گریزی آنها می‌داند (وندر زندن، ۱۹۹۶: ۱۳۸).

دیویس^۱ و ستاز^۲، از این نظریه مرتون نتیجه می‌گیرند که: «طبق انتظارات آنها احتمالاً طبقات پائین‌تری کارگری، انحراف و قانون‌گریزی بیشتری داشته باشند. این گروه هر روز تصویر شکوهمند کالاهای مادی را در وسایل ارتباط جمعی می‌بینند؛ اما دستیابی به آموزش و راههای ارتقاء برای کسب پول به منظور خریدن آن کالاها برای آنها امکان‌پذیر نیست (رفیع‌پور، ۱۳۸۹: ۲۱).

فرض اصلی کوهن در تبیین قانون‌گریزی و کجرفتاری بر این است که افراد منحرف و بزهکار، آرمانها و اهداف مقبول اجتماعی فرهنگ جامعه را پذیرفته‌اند؛ ولی به علت شکست و یا عدم فرصت مناسب و کافی برای دستیابی به اهداف مقبول و پسندیده اجتماعی، دچار محرومیت شده و لذا آرمانهای موفقیت و اهداف مقبول و متداول در جامعه را با ارزشها و هنجارهای دیگری برای بدست آوردن منزلت و وجهه جایگزین می‌سازند و در نتیجه خرده فرهنگ بزهکاری بوجود می‌آید (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۸۳).

کوهن مدعی است که فرزندان طبقات فرودست که مثل دیگر هم سن و سالان خود از طبقات متوسط جامعه به مدرسه می‌روند و در آنجا در رقابت با همکلاسان طبقات بالاتر خود در می‌مانند ناکام و تحقیر می‌شوند و می‌بازند. به نظر کوهن، این فرزندان شکست خورده محروم از مدارس، مروج ارزشهای طبقات برخوردار به همسایگی‌های محروم خود باز می‌گردند و برای جبران ناکامی خود در رقابت برای دستیابی به منزلت، خرده فرهنگ

1- Davis.

2- Stasz.

بزهکاری ای تأسیس می کنند که نظام ارزشی آن درست نقطه مقابل نظام ارزشی طبقات برخوردار و فعالیت و رقابت در آن برای آنها ثمربخش است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۱۳). از نگاه کوهن، ناهمسازی اهداف و ابزار مورد نظر مرتون به خودی خود، به کجرفتاری نخواهد انجامید، جز اینکه متغیر مداخله گری چون سرخوردگی و ناکامی منزلتی به معادله اضافه شود کوهن می گوید شکاف بین اهداف و ابزار به واسطه ناکامی منزلتی موجب کجرفتاری می شود.

نظریه پیوند افتراقی ادوین ساترلند^۱، مشهورترین نظریه از مجموع نظریه های جامعه پذیری یا یادگیری در مباحث کجرفتاری اجتماعی است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۴۸). ادوین ساترلند بر این اعتقاد بود که رفتار انحرافی و قانون گریزانه از طریق «معاشرت اغیار» با «پیوند افتراقی» یعنی داشتن روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم مانند «تبهکاران» آموخته می شود. او می گوید: برای آنکه شخص جنایتکار شود، باید نخست بیاموزد که چگونه جنایت کرد (کوئن، ۱۳۸۶: ۱۷۷).

نکته اصلی نظریه ساترلند این است که رفتار غیر قانونی از طریق کنش متقابل با دیگران آموخته می شود. افرادی که به قانون گریزی دست می زنند در «انتقال فرهنگ» خود، نه تنها تکنیکها و چگونگی انجام رفتار تخلف آمیز را می آموزند، بلکه انگیزه، سائق و توجیه رفتار تخلف آمیز را نیز منتقل می کنند. افراد به این علت کجرفتار می شوند که تعداد ارتباط های انحرافی آنان بیش از ارتباط های غیرانحرافی شان است. این تفاوت تعامل افراد با کسانی که ایده های کجرفتارانه دارند نسبت به افرادی که از ایده های هم نوایانه برخوردارند (یعنی ارتباط بیشتر آنان با کجرفتاران یا ایده های کجرفتاری) علت اصلی کجرفتاری آنهاست. ساترلند تأکید می کند نمونه این رفتار را می توان به صراحت در ادارات دولتی، در گمرک و بخصوص در رفتار مأموران شهرداری مشاهده نمود ولی حتی نمونه های جالب تری از انتقال فرهنگ را می توان از مشاهده رفتار ارباب رجوع در مراکز دولتی دریافت (صدقت، ۱۳۸۴: ۳۹ - ۳۷).

شاو و مک کی جامعه شناسان دانشگاه شیکاگو در طی نیمه اول قرن بیستم گزارش‌هایی را فراهم آوردند که میزان‌های اعمال غیر قانونی و جرم را در شیکاگو توصیف نموده و فرآیندهایی را که طی آن ارزش‌ها و سنت‌های بزهکارانه و مجرمانه را توسعه و تداوم می‌بخشید مورد بحث قرار دادند. کار آنها به تحقیقی درباره میزان بزهکاری در شهر شیکاگو و ۲۰ شهر دیگر آمریکا در یک دوره زمانی بیش از ۳۰ سال منتهی گردید. این مطالعه همچنین در طی اواسط دهه ۱۹۶۰ مورد تجدید نظر قرار گرفت (صداقت، ۱۳۸۴: ۴۴-۴۳).

مطالعات شاو و مک کی (۱۹۴۲)، عمدتاً تحت تأثیر اصول محیط‌شناسی انسانی که پارک بیان نموده بوده قرار گرفت. آنها رهیافت بوم‌شناسی نظریه بی‌سازمانی اجتماعی را زمانی که نسبت بیشتری از انحرافات و کجرفتاری‌ها در محله‌های خاصی از شهر رخ داده بود، توسعه دادند (کانتیلون و دیگران، ۲۰۰۳: ۳۲۲).

شاو و مک کی، اصطلاح منطقه بزهکاری را ابداع کردند و می‌گویند که در محله‌های فقیرنشین شهرها، رفتار بزهکارانه یک الگوی عادی است. در چنین مناطقی جوانان ارزش‌ها و رفتارهای کجرو را یاد می‌گیرند و درونی می‌کنند و در نتیجه جوانان بزهکار می‌شوند؛ زیرا آنها با افرادی دوستی و نزدیکی می‌کنند که خود بزهکار و منحرف بوده‌اند (هورتون و چستر، ۱۹۸۴: ۱۷۲).

شاو و مک کی، خاطر نشان می‌سازند که میزان کجرفتاری با عوامل اقتصادی، دقیقاً تطبیق می‌کند. درآمدها از ناحیه یک به سمت ناحیه پنج به تدریج افزایش می‌یابد. نرخ بزهکاری به ترتیب از نواحی مرکزی به سمت نواحی کناری کاهش می‌یابد. آنان استدلال می‌کنند که تبهکاری در مناطق کم درآمد می‌تواند به عنوان یکی از راههایی بکار رود و یا کوششی باشد که از آن طریق افراد کم درآمد، به ارزشهای اقتصادی و اجتماعی که در فرهنگ عمومی، جزء آرمانها محسوب می‌شود و سایرین از راههای قانونی به آنها دست می‌یابند، نایل آیند. آنها در ارتباط با کجرفتاری و بزهکاری، اظهار می‌دارند که مناطق معینی، سالها و قرن‌ها متمادی، با تمرکز جرم روبرو بوده‌اند. این امر تا حدی به علت رشد هنجارها و ارزشهای انحرافی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل شدند (صفوی، ۱۳۷۰: ۲۹).

پیشینه پژوهش

- باقری و دیگران (۱۳۸۸) پژوهشی را با عنوان «بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر ارتکاب جرم» به انجام رساندند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که متغیرهای مستقل جنس، تحصیلات، یادگیری اجتماعی، قومیت، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، منطقه محل سکونت، با متغیر وابسته جرم رابطه معنی داری را نشان می دهد در حالیکه متغیرهای مستقل سن، اشتغال و از هم گسیختگی خانوادگی با متغیر وابسته جرم رابطه معنی داری را نشان نمی دهد.

- ترکمان و دیگران (۱۳۹۰) پژوهشی را با عنوان «عوامل مؤثر بر گرایش نوجوانان پسر شهرستان کرج در خرده فرهنگ جرم» به انجام رساندند. نتیجه محاسبات انجام شده نشانگر اعتبار ۰/۷۵ این پرسشنامه می باشد. یافته‌ها نشان می دهد میزان پول موجود در نزد جوانان از عوامل مؤثر در گرایش به سوء مصرف مواد مخدر است. همچنین پژوهشها نشان داده اند والدینی که با کودکان خود مهربان نیستند، بیشتر احتمال دارد که فرزندان بزهکار داشته باشند.

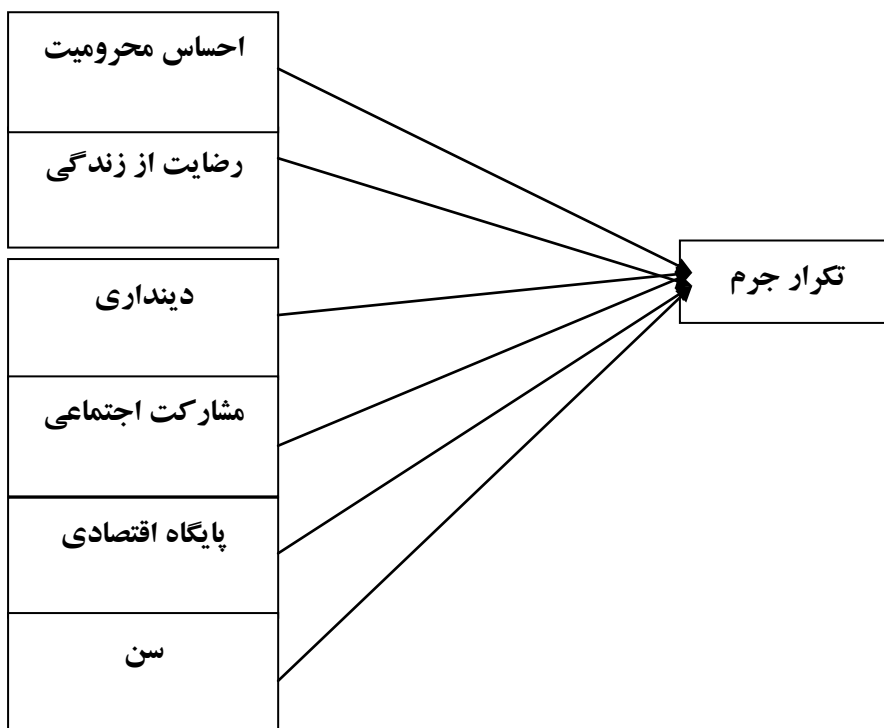
- کفاشی و اسلامی (۱۳۸۸) پژوهشی را با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان در استان خراسان شمالی» به انجام رساندند. بر اساس نتایج این پژوهش می توان برای پیشگیری و کاهش تکرار جرم و بازگشت مجدد افراد آزاد شده به زندان، با اجرای اصولی و استاندارد تفکیک و طبقه بندی زندانیان در زندانها، بهبود وضعیت اسکان و نگهداری و نوع خدمات دهی مؤثر به آنها، حذف برجسب رسمی و غیر رسمی از زندانیان آزاد شده، عرضه خدمات مؤثر و کنترل از طریق مرکز مراقبت بعد از خروج، مشارکت مجرمان، پذیرش زندانیان آزاد شده در میان خانواده، دوستان و نهادهای رسمی و غیر رسمی و جلوگیری از طرد آنان اقدام مؤثری انجام داد

- ملکمیان و شریفیان (۱۳۸۸) پژوهشی را با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر جرم در زنان زندانی» به انجام رساندند. یافته‌ها و نتایج تحقیق عبارت اند از این که زنان مجرم با زنان غیر مجرم از لحاظ تعلقات اجتماعی اختلاف معناداری با هم ندارند. به عبارت دیگر، تعلقات اجتماعی در به زندان افتادن مؤثر نبوده است. عوامل از هم گسیختگی خانواده، سن ازدواج، محیط زندگی، پایگاه اجتماعی اقتصادی و دینداری در بین زنان مجرم و زنان غیر مجرم

دارای اختلاف معنادار است. به عبارت دیگر عوامل نام برده در به زندان افتادن زنان موثر بوده است.

- الدر (۲۰۰۷) در پژوهش خود نشان داد گرفتاری والدین و بخصوص پدر نقش مهمی در رشد نوجوان در دسترسی به تحصیلات آکادمیک، بزهکاری، خشونت و سلامت ذهنی دارد.

- گاندی (۲۰۰۷) در تحقیقی با عنوان جنسیت، دلبستگی والدین و بزهکاری نتایج نشان می دهد که پیوندهای مورد نظر هیرشی توان پیش بینی کنندگی بزهکاری جدی و غیرجدی را دارند در هر دو جنس هنگامی که دلبستگی و تعهد به والدین و مدرسه افزایش یابد بزهکاری کاهش می یابد، بر عکس نظر هرشی، افزایش در دلبستگی و تعهد به گروه همالان بزهکار، افزایش بزهکاری را به همراه دارد.



مدل نظری پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

- فرضیه شماره ۱- بین میزان احساس محرومیت و تکرار جرم ارتباط معناداری وجود دارد.
- فرضیه شماره ۲- بین میزان رضایت از زندگی و تکرار جرم ارتباط معناداری وجود دارد.
- فرضیه شماره ۳- بین میزان دینداری و تکرار جرم ارتباط معناداری وجود دارد.
- فرضیه شماره ۴- بین میزان مشارکت اجتماعی و تکرار جرم ارتباط معناداری وجود دارد.
- فرضیه شماره ۵- بین پایگاه اقتصادی و تکرار جرم ارتباط معناداری وجود دارد.
- فرضیه شماره ۶- بین میزان سن و تکرار جرم ارتباط معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر بر اساس نوع داده‌های جمع‌آوری و تحلیل شده، تحقیقی کمی است و از لحاظ نوع برخورد با مسأله مورد بررسی و ورود به آن مطالعه ای میدانی است. تکنیک مورد استفاده در این پژوهش پیمایش است. در مطالعه میدانی، برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. پیش از آغاز پیمایش، پرسشنامه ابتدایی مورد آزمون اولیه قرار گرفت و با استفاده از نتایج به دست آمده، نقایص موجود برطرف و پرسشنامه نهایی تنظیم شد.

جامعه آماری این مطالعه کلیه افراد تکرار جرم شهر کرمانشاه است. از آنجا که به طور طبیعی امکان مطالعه دیدگاه‌های تمامی شهروندان وجود نداشت از شیوه «نمونه‌گیری» برای تبیین نظریات افراد مورد مطالعه استفاده شده است و بر اساس آن تعدادی از افراد (۱۵۰ نفر) که معرف جامعه آماری تشخیص داده شدند به عنوان نمونه انتخاب و مطالعه شده است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش شیوه نمونه‌گیری در دسترس است. پس از گردآوری داده‌ها تجزیه و تحلیل آن‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS انجام گردید و در این رابطه برای آزمون فرضیات، تست‌های آماری متناسب با هر فرضیه بکار گرفته شد.

در این رابطه جهت اطمینان از اعتبار لازم از اعتباری صوری استفاده شده است. بدین صورت که با مشاوره و بهره‌گیری از نظرات اساتید و کارشناسان مربوطه اعتبار لازم به دست آمده است؛ همچنین از آزمون آلفای کرونباخ جهت پایایی پرسشنامه اقدام شده است. برای

بالا رفتن ضریب آلفا در پژوهش حاضر گویه‌هایی که موجب کاهش آلفا شدند حذف گردیدند تا اینکه پرسشنامه نهایی با ضریب آلفای بالا استخراج گردید.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش

جدول شماره ۱- تعریف مفهومی متغیرهای تحقیق

تعریف مفهومی	
<p>تکرار جرم مطابق با قانون ۴۸ مجازات اسلامی: «هر کس به موجب حکم دادگاه به مجازات تعزیری و یا بازدارنده محکوم شود، چنانچه بعد از تجرای حکم مجدداً مرتکب جرم قابل تعزیر گردد، دادگاه می‌تواند در صورت لزوم مجازات تعزیری یا بازدارنده را تشدید نماید» (غلامی، ۱۳۸۷: ۴۹).</p> <p>اما جدای این تعریف برخی دیگر می‌گویند تکرار جرم «عبارت از آن است که مجرم پس از ارتکاب جرم و محکومیت به مجازات مجدداً مرتکب جرم دیگری بشود» (غلامی، ۱۳۸۷: ۴۶).</p>	<p>تکرار جرم</p>
<p>ساروخانی در دایره المعارف علوم اجتماعی احساس محرومیت را، پدیده‌ای نه مطلق بلکه نسبی و مقایسه‌ای معرفی می‌کند. از این رو افراد خود را با توجه با گروه مرجع (گروهی که خود را با آن مقایسه می‌کنند) محروم می‌پندارند (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۶۳۰).</p>	<p>احساس محرومیت</p>
<p>رضایت از زندگی به عنوان سطحی از آگاهی فردی و یا به عبارت بهتر، ارزیابی شناختی از کیفیت زندگی تعریف شده که ممکن است یک ارزیابی کلی و جامع را به همان خوبی یک ارزیابی در حوزه‌های اختصاصی زندگی (خانواده، خود، ...) منعکس نماید.</p> <p>نتایج مطالعات متنوعی حاکی از ارتباط گسترده رضایت از زندگی با تعدادی از رفتارها و حالات روان شناختی مهم از جمله افسردگی، عزت نفس و امید است. به علاوه، رضایت از زندگی به عنوان نشانه‌ای بارز از سازگاری موفقیت آمیز فرد با تغییر در موقعیت‌های گوناگون زندگی مورد توجه قرار می‌گیرد (داینر و دیگران، ۱۹۸۵: ۷۵-۷۱).</p>	<p>رضایت از زندگی</p>

<p>مشارکت عبارت است از: «فعالیت‌های ارادی و داوطلبانه که از طریق اعضای یک جامعه در امور محله، شهر، روستای خود شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم و غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهیم می‌شوند» (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۹۲).</p>	<p>مشارکت اجتماعی</p>
<p>«دین» در لغت به معنای قید و بند، التزام، تعهد، تکریم، تقدس و شریعت، مذهب، ورع و پاداش انقیاد، خضوع، پیروی، تسلیم و جزاست. و در اصطلاح، عبارت است از: اعتقاد به قوای لاهوتی و ماوراءالطبیعی و رعایت سلسله قواعد اخلاقی حقوقی و سیاسی اقتصادی و اجتماعی در زمینه ارتباط با خود، سایر بندگان و خدا و انجام مناسک عبادی در جهت کسب تقرب خالق و جلب رضایت او به منظور تعالی روح. دینداری به معنای التزام عملی و ذهنی به باورهای دینی است. به عبارت دیگر پیروی پیروان دین از آن و از زیرمجموعه‌های آن است (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۰-۱۹).</p>	<p>دینداری</p>
<p>شامل دارایی‌های مادی، مالی و به طور کلی انواع منابع مالی است که در قالب مالکیت جلوه نهادهی پیدا می‌کند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۷). در تعریف دیگری از استونز (۱۹۹۸) آمده است: «پایگاه اقتصادی به درآمد پولی، سایر منابع و دارایی‌های مالی اطلاق می‌شود و تظاهر نهادینه اش را می‌توان در حق مالکیت یافت». برای نمونه پول و اشیای مادی که می‌توان برای تولید کالا و خدمات به کار برد (استونز، ۱۹۹۸: ۲۲۱).</p>	<p>پایگاه اقتصادی</p>

جدول شماره ۲- تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق

نام متغیر	تعریف عملیاتی	سطح سنجش
تکرار جرم	در این پژوهش یعنی اینکه فرد پس از ارتکاب جرم و تحمل حبس مجدداً مرتکب جرم شود.	فاصله ای
احساس محرومیت	احساس نابرابری در جامعه و نابرابری فرصت‌ها برای مردم شاخص‌های احساس محرومیت هستند.	فاصله ای
رضایت از زندگی	در پژوهش حاضر احساس خرسندی کلی فرد از زندگی، رضایت از سلامتی، رضایت از خانواده، و رضایت از وضعیت مالی شاخص‌های رضایت از زندگی می‌باشند.	فاصله ای

فاصله ای	مشارکت رسمی و غیر رسمی شاخص های مشارکت در پژوهش حاضر می باشند.	مشارکت اجتماعی
فاصله ای	دینداری در پژوهش حاضر دارای سه شاخص اعتقادی، پیامدی و مناسکی است.	دینداری
فاصله ای	دارایی و مالکیت شاخص های پایگاه اقتصادی در پژوهش حاضر می باشند.	پایگاه اقتصادی

تجزیه و تحلیل داده ها

آزمون فرضیه شماره ۱: بین میزان احساس محرومیت و تکرار جرم ارتباط معناداری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می شود. آزمون پیرسون بدست آمده در سطح اطمینان ۰.۹۵ و با احتمال خطای ۰.۰۵ انجام شده است. یافته ها به شرح جدول ذیل می باشد.
صورت بندی فرضیه:

$$H_0: r = 0$$

$$H_1: r \neq 0$$

جدول (۳) ضریب همبستگی احساس محرومیت و تکرار جرم

تکرار جرم	احساس محرومیت	
۰/۴۷	شدت رابطه	
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۱۵۰	تعداد	

با توجه به مقدار sig محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با صفر است و چون این عدد کوچکتر از ۰.۰۵ است، لذا بین دو متغیر احساس محرومیت و تکرار جرم رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰.۴۷ است، لذا همبستگی مثبت و مستقیم و با شدت متوسطی بین دو متغیر وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه

میزان احساس محرومیت بیشتر باشد میزان تکرار جرم بالاتر می‌رود. لذا بر این اساس فرضیه شماره ۱ تایید می‌شود.

آزمون فرضیه شماره ۲: بین میزان رضایت از زندگی و تکرار جرم ارتباط معناداری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. آزمون پیرسون بدست آمده در سطح اطمینان ۰.۹۵ و با احتمال خطای ۰.۰۵ انجام شده است. یافته‌ها به شرح جدول ذیل می‌باشد.
صورت بندی فرضیه:

$$H_0: r = 0$$

$$H_1: r \neq 0$$

جدول (۴) ضریب همبستگی رضایت از زندگی و تکرار جرم

تکرار جرم	رضایت از زندگی	
-۰.۴۴	شدت رابطه	
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۱۵۰	تعداد	

با توجه به مقدار sig محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با صفر است و چون این عدد کوچکتر از ۰.۰۵ است، لذا بین دو متغیر رضایت از زندگی و تکرار جرم رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با -۰.۴۴ است، لذا همبستگی منفی و معکوس و با شدت متوسطی بین دو متغیر وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه میزان رضایت از زندگی بیشتر باشد میزان تکرار جرم پایین تر می‌رود. لذا بر این اساس فرضیه شماره ۲ تایید می‌شود.

آزمون فرضیه شماره ۳: بین میزان دینداری و تکرار جرم ارتباط معناداری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. آزمون پیرسون بدست آمده در سطح اطمینان ۰.۹۵ و با احتمال خطای ۰.۰۵ انجام شده است. یافته‌ها به شرح جدول ذیل می‌باشد.
صورت بندی فرضیه:

$$H_0: r = 0$$

$$H_1: r \neq 0$$

جدول (۵) ضریب همبستگی دینداری و تکرار جرم

تکرار جرم	دینداری	
-۰.۴۶	شدت رابطه	
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۱۵۰	تعداد	

با توجه به مقدار sig محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با صفر است و چون این عدد کوچکتر از ۰.۰۵ است، لذا بین دو متغیر دینداری و تکرار جرم رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با -۰.۴۶ است، لذا همبستگی منفی و معکوس و با شدت متوسطی بین دو متغیر وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه میزان دینداری بیشتر باشد میزان تکرار جرم پایین تر می‌رود. لذا بر این اساس فرضیه شماره ۳ تایید می‌شود.

آزمون فرضیه شماره ۴: بین میزان مشارکت اجتماعی و تکرار جرم ارتباط معناداری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. آزمون پیرسون بدست آمده در سطح اطمینان ۰.۹۵ و با احتمال خطای ۰.۰۵ انجام شده است. یافته‌ها به شرح جدول ذیل است.
صورت بندی فرضیه:

$$H_0: r = 0$$

$$H_1: r \neq 0$$

جدول (۶) ضریب همبستگی مشارکت اجتماعی و تکرار جرم

تکرار جرم		
-۰.۲۳	شدت رابطه	مشارکت اجتماعی
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۱۵۰	تعداد	

با توجه به مقدار sig محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با صفر است و چون این عدد کوچکتر از ۰.۰۵ است، لذا بین دو متغیر مشارکت اجتماعی و تکرار جرم رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با -۰.۲۳ است، لذا همبستگی منفی و معکوس و با شدت متوسطی بین دو متغیر وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه میزان مشارکت اجتماعی بیشتر باشد میزان تکرار جرم پایین تر می‌رود. لذا بر این اساس فرضیه شماره ۴ ما تایید می‌شود.

آزمون فرضیه شماره ۵: بین پایگاه اقتصادی و تکرار جرم ارتباط معناداری وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. آزمون پیرسون بدست آمده در سطح اطمینان ۰.۹۵ و با احتمال خطای ۰.۰۵ انجام شده است. یافته‌ها به شرح جدول ذیل است.

صورت بندی فرضیه:

$$H_0: r = 0$$

$$H_1: r \neq 0$$

جدول (۷) ضریب همبستگی پایگاه اقتصادی و تکرار جرم

تکرار جرم		
-۰.۳۰	شدت رابطه	پایگاه اقتصادی
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۱۵۰	تعداد	

با توجه به مقدار sig محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با صفر است و چون این عدد کوچکتر از ۰.۰۵ است، لذا بین دو متغیر پایگاه اقتصادی و تکرار جرم رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰.۳۰- است، لذا همبستگی منفی و معکوس و با شدت متوسطی بین دو متغیر وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه میزان پایگاه اقتصادی بیشتر باشد میزان تکرار جرم پایین تر می‌رود. لذا بر این اساس فرضیه شماره ۵ تایید می‌شود.

آزمون فرضیه شماره ۶: بین میزان سن و تکرار جرم ارتباط معناداری وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. آزمون پیرسون بدست آمده در سطح اطمینان ۰.۹۵ و با احتمال خطای ۰.۰۵ انجام شده است. یافته‌ها به شرح جدول ذیل است.

صورت بندی فرضیه:

$$H_0: r = 0$$

$$H_1: r \neq 0$$

جدول (۸) ضریب همبستگی سن و تکرار جرم

تکرار جرم	سن	
-۰.۱۴	شدت رابطه	
۰/۷۹	سطح معناداری	
۱۵۰	تعداد	

با توجه به مقدار sig محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با صفر است و چون این عدد بزرگتر از ۰.۰۵ است، لذا بین دو متغیر سن و تکرار جرم رابطه معناداری وجود ندارد. لذا بر این اساس فرضیه شماره ۶ رد می‌شود.

تحلیل رگرسیونی: سهم هریک از متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته به چه میزان است؟

جدول (۹) آزمون رگرسیون چندگانه

DW	F	R ²	R	Tol	VIF	sig	t	β	B	متغیرهای پیش بین
۱.۹۵	۲۲.۷۶	.۳۶	.۶۰	.۷۸۵	۱.۲۷	.۰۰۴	۲.۹۵	-	.۲۹۱	مقدار ثابت
				.۸۴۶	۲.۲۵	.۰۰۰	۳.۴۷	.۳۶۲	.۴۰۲	احساس محرومیت
				.۷۷۳	۱.۸۷	.۰۰۰	۳.۹۸	-.۳۰۶	.۳۹۸	دینداری
				.۷۷۶	۱.۴۴	.۰۰۰	۲.۵۷	-.۲۹۵	.۲۳۳	رضایت از زندگی
				.۲۷۸	۱.۷۷	.۰۰۰	۳.۸۸	-.۲۷۶	.۳۲۱	پایگاه اقتصادی
				.۴۲۵	۱.۸۵	.۰۰۰	۲.۹۷	-.۲۵۴	.۲۴۱	مشارکت اجتماعی
DW: Durbin-Watson, Tol: Tolerance, VIF: Variance inflation factor متغیر وابسته: تکرار جرم										

جهت بررسی بهترین تبیین کننده تکرار جرم، از رگرسیون چندگانه استفاده شد. بنابراین یک مدل به شرح جدول فوق تشکیل شده است که در آن متغیر ملاک همان تکرار جرم و متغیر پیش بین همان مولفه‌های جامعه شناختی می‌باشند. در مدل تشکیل شده، آماره دوربین واتسون در وضعیت مناسب قرار دارد. همچنین تحلیل واریانس رگرسیون که نشان دهنده استقلال خطاهاست، برای تمامی مدل معنادار و برابر ۲۱.۹۸ است. همچنین عدم همخطی چندگانه توسط دو شاخص عامل تورم واریانس و تولرانس مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که مقادیر عامل تورم واریانس و تولرانس در پائین تر از دامنه مشخص شده (مقادیر کمتر از ۱۰ شاخص عامل تورم واریانس و مقادیر کمتر از ۱ برای شاخص تولرانس، برای تشکیل مدل مناسب بوده) هستند. بنابراین هم خطی میان متغیرهای مستقل وجود ندارد. با عنایت به مجموع بررسی‌های انجام شده، می‌توان تناسب داده‌ها را برای اجرای مدل رگرسیونی مناسب و نتایج به دست آمده را معتبر دانست. بنابراین، متغیرهای پیش‌بین به عنوان متغیرهای توجیه کننده تکرار جرم معرفی می‌شوند.

مدل رگرسیون: یافته‌ها نشان می‌دهد که تمامی مولفه‌های مدل، دارای مقادیر t بیشتر از ۲ و مقدار سطح معنی داری کمتر از ۰.۰۵ هستند. بنابراین این متغیرها پیش بینی کننده تکرار جرم هستند. در این مدل قویترین پیش بینی کننده، متغیر احساس محرومیت است که مقدار تاثیر آن برابر ۰.۳۶۲ است ($\beta=0.362$). لازم به ذکر است که همبستگی چندگانه متغیرهای

پیش بین با تکرار جرم نسبتاً قوی ($R=0.60$) است. همچنین متغیرهای پژوهش به طور کلی توانسته اند به میزان $0/36$ تغییرات متغیر تکرار جرم را تبیین معنادار کنند ($R^2=0.36$).

نتیجه گیری

همانطور که ذکر شد در اکثر مواقع افرادی که مرتکب بزهکاری و جرم می شوند، از حیث کار، تحصیل، تشکیل خانواده و ... فرصت‌های جبران ناپذیری را از دست می دهند. وجود چنین سابقه نامطلوبی در زندگی آینده آنها تأثیر زیادی دارد. این قبیل افراد معمولاً از طرف جامعه، خانواده، دوستان، نهادهای رسمی و غیر رسمی و ... طرد می شوند، و امکان بازگشت آنها به عنوان یک فرد عادی به جامعه با مشکلات عدیده ای مواجه است. مطالعات و تحقیقات نشان می دهد که خود زندان، برای بسیاری از زندانیان به دلیل تجربیات منفی که از محیط زندان کسب می کنند، بسیار مخرب و ناامید کننده است. زیرا کافی نبودن اقدامات اصلاحی و بازپروری زندانیان به معنای آن است، که آنها به هنگام ترک زندان در مقایسه با زمان ورودشان آمادگی بیشتری برای ارتکاب جرم دارند.

در همین راستا، با توجه به اهمیت و ضرورت بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر تکرار جرم این پژوهش به دنبال بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تکرار جرم در شهر کرمانشاه به انجام رسید. در این پژوهش به تحلیل و بررسی ارتباط بین متغیرهایی چون احساس محرومیت، رضایت از زندگی، دینداری، مشارکت اجتماعی، پایگاه اقتصادی و سن به عنوان متغیرهای مستقل و تکرار جرم به عنوان متغیر وابسته پرداخته شد.

نتایج این تحقیق به شرح زیر به دست آمد:

- بین دو متغیر احساس محرومیت و تکرار جرم رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با 0.47 است، لذا همبستگی مثبت و مستقیم و با شدت متوسطی بین دو متغیر وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه میزان احساس محرومیت بیشتر باشد میزان تکرار جرم بالاتر می رود.

- بین دو متغیر رضایت از زندگی و تکرار جرم رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با 0.44 - است، لذا همبستگی منفی و

معکوس و با شدت متوسطی بین دو متغیر وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه میزان رضایت از زندگی بیشتر باشد میزان تکرار جرم پایین تر می‌رود.

- بین دو متغیر دینداری و تکرار جرم رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰.۴۶- است، لذا همبستگی منفی و معکوس و با شدت متوسطی بین دو متغیر وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه میزان دینداری بیشتر باشد میزان تکرار جرم پایین تر می‌رود.

- بین دو متغیر مشارکت اجتماعی و تکرار جرم رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰.۲۳- است، لذا همبستگی منفی و معکوس و با شدت متوسطی بین دو متغیر وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه میزان مشارکت اجتماعی بیشتر باشد میزان تکرار جرم پایین تر می‌رود.

- بین دو متغیر پایگاه اقتصادی و تکرار جرم رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰.۳۰- است، لذا همبستگی منفی و معکوس و با شدت متوسطی بین دو متغیر وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه میزان پایگاه اقتصادی بیشتر باشد میزان تکرار جرم پایین تر می‌رود.

- بین دو متغیر سن و تکرار جرم رابطه معناداری وجود ندارد.
بنابراین تمامی فرضیه‌های پژوهش به جز ارتباط بین سن و تکرار جرم تأیید می‌شوند و هر یک از متغیرهای احساس محرومیت، رضایت از زندگی، دینداری، مشارکت اجتماعی، پایگاه اقتصادی با تکرار جرم ارتباط دارند. همچنین بر اساس یافته‌های حاصل از آزمون رگرسیون متغیرهای پژوهش به طور کلی توانسته اند به میزان ۰/۳۶ تغییرات متغیر تکرار جرم را تبیین معنادار کنند ($R^2=0.36$).

منابع

- ۱- احمدی، حبیب. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: انتشارات سمت.
- ۲- احمدی، یعقوب. (۱۳۸۸). وضعیت دینداری و نگرش به آینده دین در میان نسل‌ها مطالعه موردی شهر سمنان. معرفت فرهنگی اجتماعی، سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۸۸.

- ۳- باقری، معصومه و دیگران. (۱۳۸۸). بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر ارتکاب جرم. دانش انتظامی، شماره ۵، زمستان.
- ۴- ترکمان، مهدی و دیگران. (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر گرایش نوجوانان پسر شهرستان کرج در خرده فرهنگ جرم. مطالعات امنیت اجتماعی، دوره جدید، شماره ۲۷.
- ۵- حاتمی خواجه، نادر. (۱۳۸۶). جامعه پذیری زندانیان. مجموعه مقالات اولین همایش بین المللی کاهش استفاده از مجازات زندان، تهران: انتشارات راه تربیت.
- ۶- سخاوت، جعفر. (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش آموزان استان لرستان. فصلنامه جامعه شناسی ایران. شماره ۱۴. تابستان.
- ۷- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۸۹). آناطومی جامعه (مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی). تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۸- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۰). دایره المعارف علوم اجتماعی. تهران: انتشارات کیهان.
- ۹- صداقت، کامران. (۱۳۸۴). بررسی عوامل فرهنگی-اجتماعی مؤثر بر قانون گرایی و قانون گریزی شهروندان تبریز. پایان نامه دکتری جامعه شناسی. دانشگاه اصفهان.
- ۱۰- صدیق سروسستانی، رحمت اله. (۱۳۸۳). آسیب شناسی اجتماعی. تهران: نشر آن.
- ۱۱- صفوی، امان اله. (۱۳۷۰). تئوری‌های انحراف. مجله رشد آموزش علوم اجتماعی. سال دوم و سوم. شماره‌های ۶، ۷، ۸، ۹.
- ۱۲- عبدی، عباس. (۱۳۸۱). مجازات زندان و ارتکاب مجدد جرم، مجله انجمن جامعه شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۲، تهران: انتشارات انجمن جامعه شناسی.
- ۱۳- غلامی، حسین. (۱۳۸۷). تکرار جرم: بررسی حقوقی - جرم شناختی. تهران. نشر میزان.
- ۱۴- کفاشی، مجید و اسلامی، عنایت. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان در استان خراسان شمالی. دوره ۲، شماره ۲، پاییز.
- ۱۵- کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد. (۱۳۸۷). نظریه‌های بنیادی جامعه شناختی. ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: نشر نی.
- ۱۶- کوئن، بروس. (۱۳۸۶). درآمدی به جامعه‌شناسی. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: انتشارات توتیا.

۱۷- گسن، ریمون. (۱۳۷۰). مقدمه ای بر جرم شناسی. ترجمه مهدی کی نیا. تهران: انتشارات مترجم.

۱۸- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۶). جامعه شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.

۱۹- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۵). بیگانگی، مانعی برای مشارکت و توسعه ملی. نامه پژوهش، سال اول، شماره ۱، تهران.

۲۰- ملکمیان، لینا و شریفیان، سعید. (۱۳۸۸). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر جرم در زنان زندانی. پژوهش اجتماعی، دوره ۲، شماره ۵.

- 21- Beck. A.J & Shipley, B.E. (1978). Recidivism of young parolees. Washington D.C: Bureau of justice statistics.
- 22- Cantillon Dan, William S. Davidson, John H. Schwietzer.(2003). Measuring community social organization: Sense of community as a mediator in social disorganization theory. Journal of criminal justice.No.31
- 23- Diener, E., Emmon, R.A., Larsen, R.J., & Griffin, S., (1985). The Satisfaction with life scale. Journal of Personality Assesment. Vol.49.
- 24- Elder. E. charlotte(2007). father involvement as a protective factor among delinquent adolescents. University of Maryland.
- 25- Gundy. V. Alana(2007). Gender. Parental attachment and delinquency: revisiting hirschi's social bond theory, university of Cincinnati.
- 26- Maltz, Michael. (1984). Recidivism. New york: Academic press, INC.
- 27- Stones.R.; (1998). Key sociology thinker; London: Mac Millan Press, UK.
- 28- Vander zanden James W.(1996). Sociology. The core, fourt edition. Singapore. MC Graw- Hill.

